



Identifying the components of Lippmann's philosophical thinking in the Little Prince Storybook

Fahime Moslemi^{۱*}, Babak shamshiri^۲, Amin Izadpanah^۳ and Fariba Khoshbakht^۴

^۱- Ph.D. Student in Philosophy of Education, Department of Education, Faculty of Education and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

^۲- Associate Professor, Educational Sciences Department, Faculty of Education and Psychology, University of Shiraz, Shiraz, Iran.

^۳- Assistant Professor, Educational Sciences Department, Faculty of Education and Psychology, University of Shiraz, Shiraz, Iran.

^۴- Associate Professor, Foundations of Education Department, Faculty of Education and Psychology, University of Shiraz, Shiraz, Iran.

Article info	Abstract
Article type: Research Article Received: 2024/07/21 Accepted: 2025/01/18 pp: 98-114	Background and Objectives: One of the most significant initiatives in the realm of intellectual skills training is the philosophy program for children. Education experts assert that children's philosophical mindset is shaped through stories. Consequently, the aim of this research is to identify the components of philosophical thinking within the book *The Little Prince*. For this purpose, the story written by Antoine de Saint-Exupéry has been selected for analysis. The research employs Lipman's framework for philosophical thinking, which is categorized into three dimensions: critical thinking, creative thinking, and caring thinking. Methods: Using a comparative content analysis method, the research identifies and examines the components of philosophical thinking present in the story. Findings: The findings indicate that The Little Prince possesses significant potential regarding these components, with their presence being clearly evident. Notably, the story exhibits a greater richness in the dimension of critical thinking compared to the other two dimensions, where sensitivity to context plays a more prominent role than other components. Conclusion: Additionally, the story is abundant in creative thinking components, showcasing originality and a holistic approach throughout. The emotional component also highlights the philosophical depth of the narrative in terms of caring thinking. Therefore, The Little Prince demonstrates a strong capacity to foster philosophical thinking, as it encompasses components of critical, creative, and caring thinking across all three dimensions. This makes it a valuable resource for exploration circles aiming to leverage these philosophical elements. Keywords : The Little Prince, Lipman, components of philosophical thinking.

شناسایی مؤلفه‌های تفکر فلسفی لیپمن در کتاب داستان شازده کوچولو

فهیمه مسلمی^{۱*}، بابک شمشیری^۲، امین ایزدپناه^۳، فریا خوشبخت^۴

۱- دانشجوی دکتری فلسفه‌ی تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۲- دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

۳- استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

۴- دانشیار گروه مبانی تعلیم و تربیت، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	زمینه و اهداف: یکی از مهم‌ترین فعالیت‌ها در حوزه آموزش مهارت‌های فکری، برنامه فلسفه برای کودکان است. صاحب‌نظران تعلیم و تربیت بر این باورند که ذهنیت فلسفی در کودکان از طریق داستان شکل می‌گیرد. هدف این پژوهش، شناسایی مؤلفه‌های تفکر فلسفی در کتاب "شازده کوچولو" نوشته آنتوان دوست اگزوپری است. در این پژوهش، داستان "شازده کوچولو" انتخاب و مورد تحلیل قرار گرفت. معیاری که برای مقایسه در این پژوهش مدنظر قرار گرفت، مؤلفه‌های تفکر فلسفی از دیدگاه لیپمن بود که به سه بعد اصلی تفکر انتقادی، خلاق و مراقبتی تقسیم‌بندی می‌شود.
دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۳۱	روش‌ها: به منظور شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های تفکر فلسفی در این داستان، از روش تحلیل محتوای قیاسی استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این داستان از منظر مؤلفه‌های تفکر فلسفی دارای ظرفیت مناسبی است و حضور این مؤلفه‌ها در آن به وضوح مشهود است.
پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۹	یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که "شازده کوچولو" به‌ویژه در مؤلفه‌های تفکر انتقادی، غنی‌تری دارد. در این داستان، شازده کوچولو با طرح سؤالات عمیق، به تحلیل شرایط زندگی و روابط انسانی می‌پردازد. مؤلفه‌های حساسیت به زمینه و مبتنی بر ملاک نیز در داستان برجسته هستند، که نشان‌دهنده توجه شخصیت‌ها به شرایط اجتماعی و فرهنگی است. در مورد تفکر خلاق، داستان با نشان دادن وجود مؤلفه‌های اصالت و کل‌نگری، به کودکان آموزش می‌دهد که چگونه از تخیل و خلاقیت خود برای حل مسائل استفاده کنند و از زوایای مختلف به مشکلات نگاه کنند. همچنین، تفکر عاطفی در داستان تأکید بر اهمیت توجه به احساسات دیگران دارد و به کودکان می‌آموزد که عشق و مراقبت می‌تواند در رفتارهای اجتماعی نقش بسزایی ایفا کند.
صص: ۹۸-۱۱۴	نتیجه‌گیری: داستان «شازده کوچولو» به‌عنوان یک منبع غنی با مؤلفه‌های تفکر فلسفی، به پرورش تفکر خلاق، نقاد و مراقبتی در کودکان کمک می‌کند و می‌تواند در حلقه‌های کدو کاو فلسفی مورد استفاده قرار گیرد. این داستان فضایی برای بحث و بررسی معانی عمیق‌تر زندگی و ارزش‌های انسانی فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی: داستان، شازده کوچولو، لیپمن، تفکر فلسفی

یکی از ویژگی‌های اساسی انسان، آگاهی از رفتار و برخورداری از توانایی تفکر است؛ زیرا انسان از طریق تفکر می‌تواند به رفتار خود آگاه باشد و در مواجهه با مسائل و چالش‌های زندگی از قابلیت‌های فکری خود استفاده کند (شریعت‌مداری، ۱۳۹۳). دنیای کنونی و آینده‌ای که به سمت آن پیش می‌رویم، جهانی سرشار از تغییر و تحول است. به این ترتیب، صرفاً داشتن اطلاعات علمی در این شرایط به ما کمک نمی‌کند و آنچه می‌تواند ما را در مواجهه با ناپایداری‌های زندگی یاری کند، مهارت‌ها و توانایی‌های فکری است. لذا باید به افراد آموزش داده شود که توانایی تفکر خود را در برابر رویدادهای زندگی پرورش دهند (حسینی، ۱۳۸۳). به عقیده فیلسوفان تعلیم و تربیت، زمان مناسب برای پرورش و تقویت مهارت‌های تفکر و فلسفی در دوران بزرگسالی بسیار دیر است و این کار باید از دوران کودکی آغاز شود. زیرا کودکان با حس کنجکاوی خود به کشف محیط‌های فیزیکی و روانی پیرامون تمایل دارند و اگر آنها در مباحث فلسفی مشارکت داده شوند، می‌توان مهارت‌های تفکرشان را تقویت کرد (مایزر، ۱۳۸۶ و فرم‌پینی‌فراهانی و همکاران، ۱۳۸۸). با توجه به اینکه کمبود توانایی قضاوت و استدلال صحیح در آموزش‌های دوران کودکی ریشه دارد، باید به دنبال روش‌هایی بود که به جای شیوه‌های مرسوم و سنتی، توانایی‌های فکری فراگیران را پرورش دهند (استفان و آلن^۱، ۲۰۱۱). بنابراین، اگر بخواهیم کودکان را برای آینده آماده کنیم، باید از همان دوران کودکی که هویت آنها در حال شکل‌گیری است، مهارت‌های ویژه‌ای را به آنها آموزش دهیم تا بتوانند بر مشکلات زندگی غلبه کنند. زیرا دوران کودکی بهترین زمان برای یادگیری، تقویت و تثبیت چنین ویژگی‌هایی به شمار می‌آید (فرزانفر، ۱۳۸۹). علاوه بر این، نظام آموزشی کشور ما با وجود منابع غنی علمی و داستان‌های آموزنده، بیشتر بر انتقال اطلاعات و حقایق علمی تمرکز دارد. برنامه‌های آموزشی مدارس به شیوه‌های مرسوم و سنتی قادر به پرورش توانایی‌های تفکر، تجزیه و تحلیل و داوری درست در دانش‌آموزان نیستند. بنابراین، هدف از آموزش فلسفه به کودکان جایگزین کردن روش‌های استدلال فلسفی به جای شیوه‌های متداول آموزش مانند روش سخنرانی و انتقال مطالب است (اسمیت و هولفیش، ۱۳۷۱). اسمیت (۱۹۵۶) نیز تفکر فلسفی را در پر کردن مغز با محتوای دروس فلسفی و گرایش به فلسفه نمی‌داند، بلکه آن را فعالیتی معرفی می‌کند که به بهبود داوری‌های ارزشی اختصاص دارد (سیف‌هاشمی و رجایی‌پور، ۱۳۸۳: ۳۳).

در اواخر دهه ۱۹۶۰، لیپمن در دانشگاه کلمبیا متوجه شد که دانشجویانش فاقد قدرت استدلال و قضاوت هستند و این ضعف باید از دوران کودکی شناسایی و اصلاح شود. به همین دلیل، او به همراه همکارانش برنامه‌ای به نام «فلسفه برای کودکان» (فبک) طراحی کرد که هدف آن تقویت استقلال فکری و مهارت‌های حل مسئله در کودکان است، نه صرف روش‌سازی موضوعات فلسفی (لیپمن، ۲۰۰۳). لیپمن برنامه درسی خود را بر اساس پرورش ذهنیت فلسفی بنا نهاد و بهبود تفکر و استدلال را به عنوان هدف اصلی خود در نظر گرفت (دانیل و گانگنون^۲، ۲۰۱۱). این برنامه، با استفاده از داستان به منظور پرورش تفکر فلسفی، به‌عنوان روشی عملی و تربیتی عمل می‌کند. داستان‌ها با ساختار منسجم خود، وقایع تخیلی را شرح می‌دهند و باعث رشد شخصیت‌ها و ایجاد انگیزه در کودکان می‌شوند. این فضا زمینه‌ای را برای مشارکت کودکان در بحث و تبادل نظر فراهم می‌آورد (خسرونژاد، ۱۳۸۹: ۱۳). استفاده از داستان به کودکان این فرصت را می‌دهد که درباره ایده‌های مهم بحث کنند. علاقه به داستان و داستان‌خوانی یک نیاز فطری است که به کودکان کمک می‌کند تا دنیایی خیالی را کشف کنند و احساسات و افکار انسانی را تجربه کنند. داستان‌ها به سؤالاتی در ذهن خواننده اشاره می‌کنند که باورها و روابط انسانی را بررسی می‌کند و این امر به تربیت عقلانی، اخلاقی، عاطفی و اجتماعی کودک کمک می‌کند (میرزابیگی، ۱۳۷۰). به‌طور کلی، از طریق دنبال

۱. Stephan & Alan

۲. Daniel & Gagnon

کردن حوادث داستان و همذات‌پنداری با شخصیت‌های آن، کودکان به سطحی از شناخت و استدلال دست پیدا می‌کنند که برای عملکرد اجتماعی مؤثر و تعهدات اخلاقی و اجتماعی مفید است.

این پژوهش به بررسی مؤلفه‌های تفکر فلسفی لیپمن در داستان «شازده کوچولو» می‌پردازد. دلیل انتخاب داستان‌های «شازده کوچولو» در این پژوهش، ظرفیت بالای آن برای تأمل و گفت‌وگو است. کتاب «شازده کوچولو» تا کنون به بیش از صد زبان ترجمه شده و یکی از محبوب‌ترین کتاب‌ها در قرن بیستم به شمار می‌رود، به طوری که نام «کتاب قرن» به آن داده شده است. نویسنده این اثر، آنتوان دو سنت اگزوپری، با پروازهای مکرر و طولانی‌اش به آسمان، به نگرشی وسیع دست یافت که عمق اندیشه و نگاه‌های او در آثارش، به ویژه در این شاهکار، مشهود است. این کتاب به رغم اینکه تنها یک داستان نیست، بلکه فلسفه‌ای از زندگی را ارائه می‌دهد که هر بار با خواندن آن، به معنایی تازه دست پیدا می‌کنیم. آثار اگزوپری به دلیل ادبیات جذاب و عمیقش، مخاطبان بسیاری را در سراسر جهان جذب کرده است. بنابراین این پژوهش هدف دارد تا با پیروی از نظریه لیپمن، به بررسی داستان «شازده کوچولو» پرداخته و نشان دهد که آیا این داستان، با تمرکز بر جنبه ادبی و بدون توجه به پرورش تفکر فلسفی، ظرفیت مناسبی برای استفاده در حلقه‌های کندوکاو فلسفی دارد و می‌تواند به نیازهای فلسفی کودکان پاسخ دهد.

پیشینه پژوهش

در کشورهای مختلف، مربیان، روانشناسان و فیلسوفان به تفکر فلسفی توجه زیادی نشان داده‌اند و تحقیقات فراوانی در زمینه اجرای برنامه‌های مرتبط با آن و تأثیرات این برنامه‌ها بر پرورش مهارت‌های فکری کودکان انجام شده است. بیشتر این پژوهش‌ها به برنامه «فلسفه برای کودکان» می‌پردازند و برخی به تحلیل کتاب‌های داستانی با توجه به مؤلفه‌های تفکر فلسفی تمرکز کرده‌اند. در پژوهش توکلی یرکی و همکاران (۱۴۰۲) با عنوان «واکاوی مفهوم مثبت‌اندیشی در قرآن به شیوه تفکر مراقبتی در برنامه تربیتی متیو لیپمن»، بررسی آیات مرتبط با مثبت‌اندیشی در سوره بقره و چند سوره دیگر نشان داد که این آیات حاوی مؤلفه‌های تفکر مراقبتی هستند. پژوهشگران اذعان دارند که موضوع مثبت‌اندیشی به‌طور مناسب در برنامه تربیتی لیپمن گنجانده نشده و آن را مکمل این برنامه می‌دانند. نتایج نشان می‌دهند که می‌توان برای آموزش تفکر صحیح و تقویت نگرش مثبت در کودکان و نوجوانان ایرانی از آیات قرآن به روش اجتماع‌پژوهی استفاده کرد. یوسفی و ناجی (۱۴۰۱) در بررسی بابی از «کلیله و دمنه» به قابلیت ادبی، فلسفی و روان‌شناختی این حکایت پی بردند و بازنویسی آن را به‌عنوان منبعی ارزشمند برای مربیان پیشنهاد کردند. حیدری نسب، کزازی و بیگزاده (۱۴۰۱) در تحلیل رمان‌های نوجوان فرهاد حسن‌زاده، تفکر خلاق را بیشترین بسامد را در مؤلفه‌های استدلال، آزمون‌نگری و نوآوری یافتند. حجازی و مشگینی (۱۴۰۰) در بررسی تطبیقی «شازده کوچولو» و «قلعه حیوانات» نشان دادند که هر دو داستان بازتاب‌دهنده دغدغه‌های اجتماعی نویسندگان هستند. اسکندری‌شرفی و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه «ماهی‌سیاه کوچولو» دریافتند که این داستان از غنای ادبی، فلسفی و روان‌شناختی بالایی برخوردار است و با اصلاح نقاط ضعف آن، قابلیت استفاده در برنامه «فبک» را خواهد داشت. گنجعلیخان حاکمی (۱۴۰۰) در پایان‌نامه خود به تأکید قرآن بر مؤلفه‌های تفکر مراقبتی به‌عنوان پیش‌زمینه‌ای برای تربیت اخلاقی اشاره کرده است. نجات، رازقی و عاشوری (۱۳۹۹): نشان دادند که داستان‌های مثنوی مولوی می‌توانند به پرورش تفکر انتقادی کودکان کمک کنند. چاه‌اسمعیلی و احمدی (۱۳۹۹): داستان را ابزاری مناسب برای آموزش تفکر فلسفی در کودکان دانستند. قائمی مجد (۱۳۹۴): در تحلیل فلسفی-اخلاقی «شازده کوچولو»، به بازگشت به حقیقت خویش در داستان اشاره کرده است. سام‌خانی (۱۳۹۳): در نتایج خود به این نتیجه رسید که «شازده کوچولو» نمایان‌گر کودک فلسفی درون نویسنده و تحت تأثیر نگره پدیدارشناسی نوشته شده است. در مجموع، این پژوهش‌ها نشان‌دهنده اهمیت و کاربردی بودن داستان‌ها در آموزش

تفکر فلسفی و پرورش مهارت‌های فکری کودکان هستند.

موریس (۲۰۱۶): آموزش فلسفه برای کودکان (فبک) می‌تواند در شکل‌گیری تفکر و ایجاد کودک ایده‌آل فیلسوف مؤثر باشد و مربیان می‌توانند از این برنامه آموزشی بهره‌مند شوند. وورلی (۲۰۱۶): برنامه‌های فلسفی باعث بهبود مهارت‌های استدلال، خلاقیت، تفکر انتقادی، درک اخلاقی، و همچنین پرورش توانایی‌های فردی و اجتماعی کودکان می‌شوند. ماسی و سانتی (۲۰۱۶): آموزش فلسفه به دانش‌آموزان توانایی تفکر آزادمنشانه و بهبود تصمیم‌گیری را می‌دهد. تاپینگ (۲۰۱۳): اجرای فبک در کلاس‌های ۱۸۰ کودک ۱۰ ساله نشان‌دهنده افزایش مشارکت دانش‌آموزان، بهبود استدلال و پایدار ماندن اثرات آن در مقاطع بالاتر تحصیلی است. گروینیو (۲۰۱۲): فلسفه برای کودکان به توسعه تفکر در سنین جوانی کمک کرده و فلسفیدن را جزء ذاتی انسان می‌داند. این برنامه به عنوان یک تمرین عالی ذهنی معرفی می‌شود که مهارت‌های تفکر را در کودکان پرورش می‌دهد. این پژوهش‌ها به طور کلی نشان‌دهنده تأثیر مثبت آموزش فلسفه بر پرورش تفکر و توانمندی‌های کلامی و اجتماعی کودکان هستند.

مؤلفه‌های تفکر فلسفی لیپمن

در ابتدا لیپمن بر این باور بود که با آموزش تفکر انتقادی در کودکان می‌توان همه استعداد‌های فکری آن‌ها را به فعلیت برساند اما مدتی بعد متوجه شد که تفکر انتقادی به تنهایی کافی نمی‌باشد زیرا مفهوم‌سازی و سایر مهارت‌هایی که در فلسفه رسمی و منطق صوری وجود دارد، را در بر نمی‌گیرد. بنابراین به این نتیجه رسید که برای بهبود وضعیت تفکر باید ابعاد مختلف تفکر یاد داده شود (ناجی، ۱۳۸۳). کتاب تفکر در آموزش و پرورش آخرین صورت‌بندی لیپمن از پارادایم جدید است که در آن تفکر فلسفی را شامل؛ تفکر انتقادی، خلاق و مراقبتی دانسته و برای هریک مؤلفه‌هایی ذکر کرده‌است که در این بخش به اختصار به شرح آن‌ها پرداخته می‌شود.

تفکر انتقادی

تفکر انتقادی نزد لیپمن، نوعی تفکر است که شامل داوری مبتنی بر معیار، خوداصلاح و حساس به زمینه می‌باشد (لیپمن، ۲۰۰۳). داوری هدف اصلی تفکر انتقادی است و شامل مهارت‌های پژوهشی مانند شناسایی مسائل، پرسش‌سازی، فرضیه‌سازی و گردآوری اطلاعات می‌باشد (لیپمن، ۱۹۸۰). ویژگی‌های تفکر انتقادی شامل ملاک‌های معتبر است که باید به موضوع مرتبط باشند. همچنین خوداصلاحی در محیط‌های پژوهشگرانه که دانش‌آموزان به تفکر درباره تفکر (فراشناخت) توجه می‌کنند (جهانی، ۱۳۸۲)، و حساسیت به متن و زمینه که به شرایط خاص و ارزیابی مبتنی بر زمینه و شواهد مخالف توجه می‌کند (لیپمن، ۲۰۰۳).

تفکر خلاق

تفکر خلاق نیز شامل بیان، ساخت و انجام چیزهای شایسته است و ویژگی‌ها و مؤلفه‌های آن شامل اصالت (تفکر درباره موضوعات بکر و اصیل)، تخیل (تصور دنیای فرضی)، استقلال (عدم پذیرش افکار دیگران بدون تفکر)، نوآوری (ارائه راه‌حل‌ها و فرضیه‌های جدید)، آزمون‌گری (آزمون فرضیه‌ها)، خوداستعلایی (تلاش برای عبور از مراحل قبلی)، ثمربخش بودن (رسیدن به نتایج سودمند)، شگفتی (ایجاد حیرت) و کل‌نگری (توجه به روابط جز و کل) می‌باشد. این دو نوع تفکر، به‌ویژه در فرآیند آموزش فلسفه برای کودکان، اهمیت و کاربردهای ویژه‌ای دارند و به توسعه مهارت‌های شناختی کمک می‌کنند.

تفکر مراقبتی

لیپمن به عواطف، احساسات و هیجانات اهمیت زیادی می‌دهد و بر این باور است که تفکر باید حول محور عواطف پرورش یابد. این اندیشه او را به گسترش مفهوم تفکر و به‌ویژه معرفی تفکر مراقبتی واداشته است که در آن افراد با

تعهد و محبت، مانند والدین دلسوز، درباره نحوه کارشان فکر می‌کنند. او رویکردی انسانی‌تر نسبت به مهارت‌های تفکر ارائه می‌دهد و تأثیر عواطف بر تفکر را بیان می‌کند (ترن^۱، ۲۰۱۳).

لیپمن تفکر مراقبتی را به انواع مختلفی تقسیم کرده و ویژگی‌های زیر را برای آن‌ها ارائه می‌دهد: تفکر ارزش‌گذار (قدردان): قدردانی به توجه به چیزهای مهم و مقایسه‌ای ذهنی میان اشیاء اشاره دارد. تفکر عاطفی: هیجانات شکلی از داوری هستند که می‌توانند خطاپذیر باشند. به‌عنوان مثال، خشم نسبت به بدرفتاری با افرادی بی‌گناه. تفکر فعال: اقداماتی که برای حفظ امور ارزشمند انجام می‌شود، مانند تلاش برای حفظ زیبایی ظاهری. تفکر هنجاری: اندیشیدن درباره امور اخلاقی و ارزشمند. کودکان باید بتوانند موضوعات اخلاقی را تشخیص دهند و منطقی درباره آن‌ها فکر کنند. تفکر همدلانه: توانایی قرار دادن خود در موقعیت دیگران و درک احساسات و افکار آن‌ها (لیپمن، ۲۰۰۳). این جنبه‌ها به درک بهتر عواطف و بهبود مهارت‌های تفکر کمک می‌کنند.

جدول ۱. مؤلفه‌های تفکر فلسفی لیپمن

ابعاد تفکر فلسفی	مؤلفه‌های تفکر فلسفی	زیر مؤلفه‌های تفکر فلسفی
فکر انتقادی	تفکر در باره تفکر (فراشناخت)	خوداصلاحی به پرسش کشیدن فرایند تفکر خود، کشف نقاط ضعف آن و اصلاح کردن آن‌ها
		دگراصلاحی کشف تناقض‌ها و مغالطات در گفت‌وگوها، درخواست دلیل از دیگران و نشان دادن عبارت‌ها و تعریف‌های مبهم و نادرست
	داوری صحیح	انعطاف و گشودگی ذهن، مقایسه چیزها و درک روابط آن‌ها، حل مسأله، استدلال منطقی، دوری از مغالطه
	حساسیت به زمینه یا متن	توجه به شرایط استثنایی و نامتعارف، احتمالات و محدودیت‌ها، پیکره‌ی کلی و امکان استثنایی بودن هر نمونه، امکان وجود شباهت مخالف، غیرقابل ترجمه بودن برخی مفاهیم، تشخیص تفاوت بین موقعیت‌های به ظاهر مشابه با پیامدهای مخالف، در نظر داشتن تفاوت‌های معنایی ناشی از فرهنگ‌ها، زبان‌ها، و دیدگاه‌های شخصی مختلف، تفسیر صحیح کلام و توجه به اهداف گوینده در ترجمه و تفسیر کلام
فکر خلاق	مبتنی بر ملاک	ملاک، اصل، قانون، حکم و دستورالعملی است که برای داوری استفاده می‌شود.
	کل‌نگری، تخیل، استقلال، آزمون‌گری، اصالت، نوآوری، خود استعلائی، شگفتی، ثمربخش بودن	
فکر مراقبتی	تفکر ارزش‌گذار، تفکر عاطفی، تفکر فعال، تفکر هنجاری، تفکر همدلانه	

پارادایم پژوهش حاضر از نوع کیفی است و روش داده‌یابی در این پژوهش اسنادی می‌باشد. سند مورد تحلیل کتاب داستان شازده کوچولو نوشته آنتوان دوست اگزوپری ترجمه احمد شاملو است. در پژوهش حاضر کتاب داستان شازده کوچولو به صورت نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده است (میکات و مورهاوس^۱، ۱۹۵۵)، به طوری که پژوهشگر پس از مطالعه داستان‌های گوناگون و مشورت با صاحب‌نظرانی که در این زمینه فعالیت پژوهشی انجام داده‌اند، دست به انتخاب داستانی زده است، که ظرفیت بیشتری به منظور شناسایی و استنتاج مؤلفه‌های تفکر فلسفی داشته باشد. داستان شازده کوچولو در سرتاسر دنیا مخاطبان زیادی دارد، اما از جهت شناسایی مؤلفه‌های تفکر فلسفی لیپمن مورد بررسی قرار نگرفته است.

طرح پژوهش حاضر غیرپیدایشی^۲ است، به این صورت که ابتدا داده‌ها جمع‌آوری شده و سپس به تجزیه و تحلیل آن‌ها پرداخته شده است (میکات و مورهاوس^۳، ۱۹۹۴). در پژوهش حاضر روند تجزیه و تحلیل داده‌ها به شیوه تحلیل محتوای قیاسی می‌باشد. در این نوع تحلیل پژوهشگر بر مبنای مقوله‌های از پیش تعیین‌شده‌ای که به صورت نظری استخراج شده‌اند به تحلیل می‌پردازد، در واقع پژوهشگر با به کارگیری پژوهش‌های پیشین که در این پژوهش، برگرفته شده از پژوهش عظمت‌دارفرد، قائدی (۱۳۹۶) می‌باشد، کار خود را برای شناسایی مفاهیم آغاز می‌کند، به این صورت که ابتدا کل داستان را مطالعه کرده و قسمت‌هایی از داستان که براساس مؤلفه‌های از پیش تعیین‌شده مرتبط هستند، مشخص می‌شوند. مقایسه‌ی مستمر داده‌ها تا رسیدن به نقطه اشباع‌شدگی و حصول اطمینان از عدم دستیابی به اطلاعات جدیدتر، صورت گرفته است. در این پژوهش جمله‌ها، به عنوان واحد تحلیل در نظر گرفته شده و پژوهشگر برآن بوده که با در نظر گرفتن جمله‌ها و بندها، محتوای آن‌ها را براساس وجود یا عدم وجود مؤلفه‌های مربوط به تفکر فلسفی لیپمن مورد واکاوی قرار دهد. از این رو پس از تحلیل داستان جدولی را تنظیم کرده که نتایج تحلیل را با توجه به سه بعد تفکر انتقادی، تفکر خلاق و تفکر مراقبتی نشان می‌دهد.

پیرنگ داستان

شخصیت اصلی داستان «شازده کوچولو» خلبانی است که داستان را با روایت بزرگسالان و ناتوانی آن‌ها در درک چیزهای مهم آغاز می‌کند. او به نقاشی که در شش سالگی کشیده بود، اشاره می‌کند: یک مار بوا که فیل را خورده است، اما بزرگ‌ترها آن را کلاه می‌دانستند و به او توصیه می‌کردند به بجای نقاشی به ریاضیات و جغرافیا بپردازد. پس از کنار گذاشتن نقاشی، خلبان درباره مسائل معمولی مانند گلف و سیاست با بزرگ‌ترها صحبت می‌کند. روزی، آنتوان دو سنت اگزوپری در صحرای آفریقا دچار سانحه شده و در حال تعمیر هواپیمایش بود که ناگهان صدایی از یک پسرک با موهای طلایی به گوشش می‌رسد و از او می‌خواهد تا بره‌ای بکشد. بعد از سه بار تلاش ناکام برای کشیدن بره، خلبان ناامیدانه جعبه‌ای می‌کشد و می‌گوید که گوسفند درون جعبه است. شازده کوچولو از این کار خلبان خوشش می‌آید. در آغاز شازده کوچولو از کجا آمده است، چیزی نمی‌گوید، اما با کمی صحبت مشخص می‌شود که از یک سیاره دیگر آمده است. او توضیح می‌دهد که سیارک او کوچک و دارای سه آتشفشان است. خلبان متوجه می‌شود که او از سیارک B-۶۱۲ آمده و درباره علف‌های هرز باثواب‌ها و نیاز بره به خوردن آن‌ها صحبت می‌کند. شازده کوچولو همچنین درباره عشقش به غروب آفتاب صحبت می‌کند و می‌گوید که در سیارکش می‌تواند غروب خورشید را بارها تماشا کند. او نگران است که بره گل‌ها را بخورد و خلبان متوجه می‌شود که او یک گل منحصر به فرد دارد که او را بسیار دوست دارد. شازده کوچولو از گل سرخش می‌گوید و چگونگی مراقبت از

۱. Maykut and Morhouse

۲. Non emergent design

۳. Maykut and Morhouse

او، اما به دلیل اداهای گل خسته شده و تصمیم می‌گیرد به سفر به سیاره‌های دیگر برود. او سرپوش شیشه‌ای را روی گل می‌گذارد و با او خداحافظی می‌کند. گل سرخ از رفتن او ناراحت می‌شود و عذرخواهی می‌کند، اما شازده کوچولو به سفر خود ادامه می‌دهد. شازده کوچولو پس از مدتی در یک سیارک فرود می‌آید که پادشاهی در آنجا وجود دارد. پادشاه از شازده درخواست می‌کند که بماند و وزیر او شود، اما شازده کوچولو قصد دارد برود. در سیارک بعدی، مردی مغرور با توقع ستایش از شازده مواجه می‌شود، که شازده از او نیز خسته می‌شود و می‌رود. در سیارک سوم، مرد میخواره‌ای را می‌بیند که تنها به دنبال خوشی‌های زودگذر است و شازده از او نیز دلزده می‌شود. او در سیارک چهارم با تاجر حسابگر مواجه می‌شود که فقط به شمارش ستاره‌ها مشغول است و به شازده پاسخ نمی‌دهد. در سیارک پنجم، شازده کوچولو با فانوس‌بان وظیفه‌شناسی روبرو می‌شود که برای روشن و خاموش کردن فانوس خود، هر دقیقه یک بار به خواب می‌رود. شازده قصد دارد نزد او بماند، اما او فقط به فانوسش فکر می‌کند و شازده کوچولو دوباره به سفر ادامه می‌دهد. در سیارک ششم، با جغرافی‌دانی مواجه می‌شود که آتشفشان‌های سیارک خود را ثبت کرده، اما گل شازده را نادیده می‌گیرد، زیرا معتقد است گل‌ها ناپایدار هستند. جغرافیدان اما شازده را به زمین دعوت می‌کند. بالاخره، شازده کوچولو در بیابانی از زمین فرود می‌آید و با مار زردی روبرو می‌شود که به او می‌گوید در کنار آدم‌ها احساس تنهایی خواهد کرد و می‌تواند به کمک او به سیارکش بازگردد. او پس از آن با یک گل بیابانی صحبت می‌کند که به او می‌گوید آدم‌ها ریشه ندارند و به همین دلیل ناپایدار هستند. شازده کوچولو به کوهستانی می‌رود تا کل زمین را ببیند، اما تنها دره را می‌بیند. او ناامید می‌شود و سپس به یک گلستان می‌رسد که گل‌ها شبیه گل او هستند، این موضوع به او احساس تنهایی می‌دهد و گریه‌اش می‌زند. او با روباهی آشنا می‌شود که از اهلی کردن صحبت می‌کند، و توضیح می‌دهد که اهلی کردن به معنای ایجاد علاقه و وابستگی است. شازده کوچولو به این نتیجه می‌رسد که گل سرخش او را اهلی کرده و بنابراین او را منحصر به فرد می‌داند. با درک عشق واقعی خود به گلش، شازده کوچولو تصمیم می‌گیرد به سیاره‌اش برگردد. او به سمت مار زرد می‌رود و قرار می‌گذارد که یک سال بعد از روز ورودش به زمین به سیاره‌اش برگردد، و نهایتاً این اتفاق رخ می‌دهد.

جدول ۲. تحلیل محتوای داستان شازده کوچولو بر اساس مؤلفه‌های تفکر فلسفی لیپمن

مصدق	تفکر انتقادی	تفکر خلاق	تفکر مراقبتی
فصل ۱	نقاشی من کلاه نبود، یک مار بوآ بود که داشت یک فیل را هضم می‌کرد.	نوآوری، تخیل	تفکر هنجاری
	آن وقت برای فهم بزرگترها برداشتم توی شکم بوآ را کشیدم. آخر همیشه باید به آن‌ها توضیح داد.	اصالت، کل‌نگری	تفکر فعال
	بزرگ‌ترها بهم گفتند کشیدن مار بوآی باز یا بسته را بگذارم کنار و عوضش حواسم را بیش‌تر جمع جغرافی و تاریخ و حساب کنم.	کل‌نگری	
	بزرگ‌ترها اگر به خودشان باشد هیچ وقت نمی‌توانند از چیزی سردرآورند.	اصالت، کل‌نگری	تفکر هنجاری
	برای بچه‌ها هم خسته کنند است که همین جور مدام هر چیزی را به آن‌ها توضیح بدهند.	اصالت، خوداستعلائی	تفکر فعال
	هروقت یکی‌شان را دیده‌ام که یک‌خرده روشن‌بین به نظرم آمده با نقاشی شماره یکم محکمش زده‌ام، بینم راستی راستی چیزی بارش هست یا نه.	نوآوری، آزمون‌گری، کل‌نگری	تفکر هنجاری
۲	این‌جوری بود که روزگaram تو تنهایی می‌گذشت بی‌این که راستی راستی یکی را داشته باشم که باش دو کلمه حرف بزنم.	مبتنی بر ملای	تفکر هنجاری
	مسأله مرگ و زندگی بود.	کل‌نگری	تفکر هنجاری
	یادتان نرود که من از نزدیک‌ترین آبادی مسکونی هزار میل فاصله داشتم، این آدمی‌زاد کوچو هم اصلاً به نظر نمی‌آمد که راه گم کرده باشد.	حساسیت نسبت به زمینه	کل‌نگری

جدول ۲. تحلیل محتوای داستان شازده کوچولو بر اساس مؤلفه‌های تفکر فلسفی لیپمن

مصدق	تفکر انتقادی	تفکر خلاق	تفکر مراقبتی
		شگفتی، کل‌نگری	تفکر هنجاری
	حساسیت نسبت به زمینه	شگفتی، کل‌نگری، ثمربخش بودن	
	حساسیت نسبت به زمینه	اصالت، کل‌نگری، آزمون‌گری	
۳	مبتنی بر ملاک	کل‌نگری	تفکر هنجاری
	حساسیت نسبت به زمینه	اصالت، کل‌نگری	
	حساسیت نسبت به زمینه	شگفتی، اصالت	
	تسهیل‌گر داوری	اصالت، کل‌نگری	تفکر هنجاری
	تسهیل‌گر داوری	اصالت، استقلال، کل‌نگری	تفکر هنجاری
۴	مبتنی بر ملاک	اصالت، کل‌نگری	تفکر عاطفی
	حساسیت نسبت به زمینه	اصالت، کل‌نگری	تفکر هنجاری
۵	تسهیل‌گر داوری	اصالت، کل‌نگری، ثمربخش بودن	تفکر هنجاری
	حساسیت نسبت به زمینه	اصالت	تفکر هنجاری
۶	مبتنی بر ملاک		تفکر عاطفی
۷		کل‌نگری	تفکر فعال
	مبتنی بر ملاک	کل‌نگری	
		اصالت، کل‌نگری	تفکر هنجاری
		اصالت، کل‌نگری	تفکر عاطفی، تفکر همدلانه

جدول ۲. تحلیل محتوای داستان شازده کوچولو بر اساس مؤلفه‌های تفکر فلسفی لیپمن

مصدق	تفکر انتقادی	تفکر خلاق	تفکر مراقبتی
۱۰	دنیای پادشاه‌ها به نحو عجیبی ساده شده و تمام مردم فقط یک مشت رعیت به حساب می‌آیند.	حساسیت نسبت به زمینه اصالت، کل‌نگری	
	دوست داشت روزی دویست بار غروب آفتاب را تماشا می‌کرد. چون بفهمی نفهمی از یادآوری اختراکش که به امان خدا ول کرده بود غصه‌اش شد.	مبتنی بر ملاک	تفکر عاطفی
	باید از هر کسی چیزی را توقع داشت که ازش ساخته باشد. قدرت باید پیش از هر چیز به عقل متکی باشد.	مبتنی بر ملاک اصالت، کل‌نگری	
۱۱	خب پس خودت را محاکمه کن. این کار مشکل‌تر هم هست. محاکمه کردن خود از محاکمه کردن دیگران خیلی مشکل‌تر است.	تسهیل‌گر داوری	تفکر فعال
	شازده کوچولو همان‌طور که به سفرش ادامه می‌داد تو دلش می‌گفت: این آدم بزرگ‌ها راستی راستی چقدر عجیبند.	حساسیت نسبت به زمینه اصالت، کل‌نگری، شگفتی	تفکر هنجاری
	خودپسند چشمش که به شازده کوچولو افتاد از همان دور داد زد: این هم یک ستایشگر، آخر برای خودپسندها دیگران فقط یک مشت ستایشگرند.	تسهیل‌گر داوری اصالت، کل‌نگری	
۱۲	اما خودپسند حرفش را نشنید. آخر آن‌ها جز ستایش خودشان چیزی را نمی‌شنوند.	مبتنی بر ملاک اصالت، کل‌نگری	تفکر قدردان
	شازده کوچولو نیمچه‌شانه‌یی بالا انداخت و گفت: خب ستایش کردم. اما واقعا چی این برایت جالب است؟	حساسیت نسبت به زمینه اصالت، کل‌نگری	
	شازده کوچولو پرسید: می‌میزنی که چی؟ می‌خواه جواب داد: که فراموش کنم. که چی را فراموش کنی؟ سرشکستگی می‌خواه بودم را.	شگفتی، کل‌نگری	
۱۳	اخترک چهارم، اخترک مرد تجارت پیشه بود. این بابا چنان مشغول و گرفتار بود که با ورود شازده کوچولو حتی سرش را هم بلند نکرد.	حساسیت نسبت به زمینه خوداستعلائی	
	خب حالا تو آن‌ها را تصاحب می‌کنی که چه بشود؟ که دارا بشوم.	مبتنی بر ملاک شگفتی	
	شازده کوچولو گفت: من یک گل دارم که هر روز آتش می‌دهم. سه تا هم آتش‌فشان دارم که هفته‌ای یک بار پاک و دوده‌گیری‌شان می‌کنم. روی این حساب هم برای گل و هم برای آتش‌فشان‌ها این‌که من صاحبشان باشم فایده دارد. تو چه فایده‌ای برای ستاره‌ها داری؟	حساسیت نسبت به زمینه اصالت، کل‌نگری	تفکر هنجاری
۱۵	چیزی که جرأت اعترافش را نداشت حسرت او بود به این اخترک کوچکی که، به هزارو چهارصدو چهل بار غروب آفتاب برکت پیدا کرده بود.	خوداستعلائی	تفکر عاطفی
	فانی یعنی چه؟ یعنی چیزی که در آینده تهدید به نابودی شود.	تسهیل‌گر داوری اصالت	تفکر هنجاری
	گل من فانی است و جلو دنیا برای دفاع از خودش جز چهارتا خار هیچی ندارد، آن وقت مرا بگو که او را تو اخترکم تک و تنها رها کرده‌ام.	کل‌نگری	تفکر عاطفی
۱۶	رو پهنه زمین یک صدویازده پادشاه، هفت هزار جغرافی‌دان، نهصد هزار تاجر پیشه، پانزده کرور می‌خواه و ششصدویست و دو کرور خودپسند و حدود دو میلیارد آدم بزرگ زندگی می‌کنند.	تسهیل‌گر داوری اصالت	تفکر هنجاری
۱۷	انسان‌ها روی پهنه زمین جای خیلی کمی را اشغال می‌کنند.	اصالت، کل‌نگری	تفکر هنجاری
	البته آدم بزرگ‌ها حرفتان را باور نمی‌کنند. آخر تصورشان این است که کلی جا اشغال کرده‌اند، نه این‌که مثل باثواب‌ها خودشان را خیلی مهم می‌بینند.	تسهیل‌گر داوری اصالت و کل‌نگری	تفکر هنجاری
	آدم‌ها کجاند؟ آدم تو کویر یک خرده احساس تنهایی می‌کند. مار گفت: پیش آدم‌ها هم احساس تنهایی می‌کنی.	اصالت، کل‌نگری	تفکر هنجاری
	آدم! باد این‌ورو آن‌ور می‌بردشان؛ نه اینکه ریشه ندارند، این بی‌ریشه‌گی حسابی اسباب دردسرشان شده.	تسهیل‌گر داوری کل‌نگری، اصالت	تفکر هنجاری

جدول ۲. تحلیل محتوای داستان شازده کوچولو بر اساس مؤلفه‌های تفکر فلسفی لیپمن

تفکر مراقبتی	تفکر خلاق	تفکر انتقادی	مصدق	
تفکر هنجاری	کل‌نگری، شگفتی		شازده کوچولو با خودش فکر کرد: چه سیاره‌ی عجیبی! خشک خشک و تیز تیز و شور شور. این هم آدم‌هاش که یک ذره قوه‌ی تخیل ندارند و هرچه را بشنوند عیناً تکرار می‌کنند.	۱۹
تفکر عاطفی	شگفتی، آزمون‌گری	حساسیت نسبت به زمینه	گلش به او گفته بود که از نوع او تو تمام عالم فقط همان یکی هست و حالا پنج هزار تا گل، همه مثل هم، فقط تو یک گلستان!	۲۰
	اصالت،	مبتنی بر ملاک	روبه گفت: نمی‌توانم بات بازی کنم. هنوز اهلیم نکرده‌اند آخر.	۲۱
تفکر عاطفی، تفکر فعال	کل‌نگری		اهلی کردن یعنی چه؟ روبه گفت: چیزی است که پاک فراموش شده. معنیش ایجاد علاقه کردن است.	
تفکر هنجاری	کل‌نگری، اصالت، نوآوری	مبتنی بر ملاک	روبه گفت: تو الان واسه من یک پسر بچه‌ای مثل صد هزار پسر بچه‌ی دیگر. نه من هیچ احتیاجی به تو دارم نه تو هیچ احتیاجی به من. من هم برای تو یک روبه هستم مثل صد هزار روبه دیگر. اما اگر منو اهلی کردن هردو تا من به هم احتیاج پیدا می‌کنیم. تو برای من میان عالم موجود یگانه‌ای می‌شوی من برای تو.	
تفکر عاطفی	اصالت	حساسیت نسبت به زمینه	اما اگر تو مرا اهلی کنی انگار که زندگیم را چراغان کرده باشی. آن وقت صدای پای دیگران مرا وادار می‌کند تو هفت تا سوراخ قایم بشوم اما صدای پای تو مثل نغمه‌ی مرا ازلانهام می‌کشد بیرون.	
تفکر هنجاری	اصالت، کل‌نگری، نوآوری	مبتنی بر ملاک	آدم‌ها همه چیز را حاضر و آماده از دکان‌ها می‌خرند. اما چون دکانی نیست که دوست معامله کند آدم‌ها مانده‌اند بی‌دوست.	
تفکر هنجاری	اصالت، کل‌نگری، ثمربخش بودن، نوآوری	حساسیت نسبت به زمینه، تسهیل‌گر داوری	روبه گفت: جز با چشم دل هیچی را چنان که باید نمی‌شود دید. نهاد و گوهر را چشم سر نمی‌بیند.	
تفکر فعال	اصالت، کل‌نگری، ثمربخش بودن	تسهیل‌گر داوری	ارزش گل تو به قدر عمری است که به پاش صرف کرده‌ای.	
تفکر هنجاری	اصالت، کل‌نگری، ثمربخش بودن	حساسیت نسبت به زمینه	تو تا زنده‌ای نسبت به آنی که اهلی کرده‌ای مسئولی.	۲۲
تفکر هنجاری	اصالت، کل‌نگری	حساسیت نسبت به زمینه	سوزن‌بان گفت: آدمیزاد هیچ وقت جایی را که هست خوش ندارد.	
تفکر عاطفی، تفکر قدردان	اصالت، کل‌نگری	حساسیت نسبت به زمینه	شازده کوچولو گفت: فقط بچه‌هاوند که می‌دانند پی چی می‌گردند. بچه‌هاوند که کلی وقت صرف یک عروسک پارچه‌ای می‌کنند و عروسک برایشان انقدر اهمیت دارد که اگر یکی آن را کش برود میزنند زیر گریه.	
تفکر فعال	کل‌نگری، خوداستعلائی	مبتنی بر ملاک	فروشنده گفت: باعث صرفه‌جویی کلی وقت است. کارشناس‌های خبره نشسته‌اند دقیقاً حساب کرده‌اند که با بالا انداختن هر کدام از این قرص‌ها هفته‌ای پنجاه و سه دقیقه وقت صرفه‌جویی می‌شود.	۲۳
	شگفتی		خب آن وقت آن پنجاه و سه دقیقه را چه کار می‌کنند؟ هر چه دلشان بخواهد.	۲۴
تفکر فعال	خوداستعلائی، آزمون‌گری، کل‌نگری	مبتنی بر ملاک	خاطرات تو زیباست اما من هنوز از پس تعمیر هواپیمایم برنیامده‌ام، یک چکه آب هم ندارم. راستی که من هم اگر می‌توانستم خوش خوشک به طرف چشمه‌ای بروم سعادتی احساس می‌کردم که نگو.	
تفکر هنجاری	اصالت	تسهیل‌گر داوری	حتی اگر آدم دم مرگ هم باشد داشتن یک دوست عالی است.	
	اصالت، کل‌نگری	مبتنی بر ملاک	چیزی که توی شازده کوچولو خوابیده مرا به این شدت متأثر می‌کند، وفاداری اوست به یک گل.	

جدول ۲. تحلیل محتوای داستان شازده کوچولو بر اساس مؤلفه‌های تفکر فلسفی لیپمن

مصدق	تفکر انتقادی	تفکر خلاق	تفکر مراقبتی
۲۵	شازده کوچولو گفت: آدم‌ها می‌چند تو قطارهای تندرو اما نمی‌دانند دنبال چه می‌گردند. این است که بنا می‌کنند دور خودشان چرخک زدن.	اصالت	تفکر هنجاری
	به یاد روباره افتادم: اگر آدم می‌گذاشت اهلیش کنند بفهمی نفهمی خودش را به این خطر انداخته که کارش به گریه کردن بکشد.		تفکر عاطفی، تفکر هنجاری
	حس می‌کردم اتفاق فوق‌العاده‌یی دارد می‌افتد. گرفتمش تو بغلم. با وجود این به نظرم می‌آمد که او دارد به گردابی فرو می‌رود که از من کاری ساخته نیست.	شگفتی	تفکر عاطفی، تفکر همدلانه، تفکر فعال
	همه مردم ستاره دارند اما همه‌ی ستاره‌ها یک جور نیست. واسه آن‌هایی که به سفر می‌روند حکم راهنما را دارند واسه بعضی دیگر که اهل دانشند هر ستاره یک معما است واسه آن بابای تاجر طلا بود. اما این ستاره‌ها همشان زبان به کام کشیده و خاموش‌اند.	حساسیت نسبت به زمینه	اصالت، کل‌نگری
۲۷	اما باز بی‌قرار شد و گفت: اشتباه کردی او مدی رنج می‌بری. گرچه حقیقت این نیست اما ظاهر یک مرده را پیدا می‌کنم.		تفکر هنجاری
	خودت که درک میکنی راه خیلی دور است نمی‌توانم این جسم را با خودم ببرم. خیلی سنگین است.	مبتنی بر ملاک	اصالت، کل‌نگری
	گاه به خودم می‌گویم: همین کافی است که آدم یک بار حواسش نباشد. آن وقت است که زنگوله‌ها همه تبدیل به اشک می‌شوند.		تفکر عاطفی، تفکر هنجاری
	این صفحه را دوباره کشیدم که نشان‌تان بدهم: ظهور شازده کوچولو بر زمین در این جا بود؛ و بعد در همین جا هم بود که ناپدید شد.	حساسیت نسبت به زمینه	اصالت، کل‌نگری

تحلیل داستان شازده کوچولو

تحلیل و تأویل «شازده کوچولو» به دلیل چندلایه بودن آن هم آسان و هم دشوار است. هر فردی می‌تواند دستاوردهای شخصی از داستان بگیرد، اما تأویل گویای جنبه‌های عمیق‌تری از آثار نویسنده است. شازده کوچولو، نماد انسان جستجوگر و حقیقت‌طلب است که به نقد و سنجش رفتار «آدم‌های بزرگ» می‌پردازد. نویسنده به زبان ساده و کودکانه، مفاهیم عمیق پیرامون کودکی، تنهایی، عشق، سفر و فلسفه را در داستان گنجانده است. کتاب «شازده کوچولو» با جمله‌ای معروف بیان می‌کند که بزرگ‌سالان «نمی‌فهمند و بچه‌ها خسته می‌شوند از بس که باید به آن‌ها توضیح بدهند.» این جمله نشان‌دهنده اهمیت کودک در وجود بشر است. شازده کوچولو با کودک درون خود صحبت می‌کند و همین باعث اثرگذاری کلام او بر دل‌ها می‌شود. متن این داستان به تناسب با میزان توجه و آگاهی خواننده، بارقه‌های جدیدی را در ذهن او ایجاد می‌کند. این کتاب با وجود حجم کم، تجربیات انسانی و مفاهیمی فراگیر را به تصویر می‌کشد و به همین سبب در فرهنگ‌های مختلف مورد استقبال قرار گرفته است. «شازده کوچولو» با استفاده از زیبایی‌شناسی و عواطف، خواننده را به درکی عمیق‌تر از حقیقت می‌رساند. این اثر نه تنها سرگرم‌کننده است، بلکه تأثیر عمیقی بر بینش خواننده نسبت به زندگی و خود دارد.

داستان «شازده کوچولو» در کنار لحن جدی خود، حاوی طنزهایی نیز هست که به تمسخر رفتار بزرگ‌سالان می‌پردازد. مثلاً پادشاه از شازده کوچولو می‌خواهد که موش را قضاوت کند و ادامه زندگی‌اش را به عدالت او وابسته می‌داند، که نمایانگر بی‌معنایی و خودخواهی برخی از بزرگ‌سالان است. همچنین، گل به بیریشگی آدم‌ها اشاره

کرده و آن را نماد عدم ثبات و خصایص انسان‌ها می‌داند. مهاجرت شازده کوچولو بین سیاره‌ها نشان‌دهنده جستجوی انسان برای بازگشت به ارزش‌های فراموش شده است.

شازده کوچولو درس‌های عمیق عشق و دوستی را از دل طبیعت و دنیای خود می‌آموزد. از طریق مراقبت از گلش، او ارزش توجه و عشق به دیگران را یاد می‌گیرد و به ما می‌آموزد که وقتی برای چیزهایی که دوست داریم وقت می‌گذاریم، اهمیت و ارزش آنها بیشتر می‌شود. روباه هم با بیان مفهوم «اهلی کردن»، عشق را از یک امر عمومی به یک امر خاص تبدیل می‌کند و تأکید می‌کند که وقتی به فردی محبت می‌کنیم، نسبت به او مسئولیت پیدا می‌کنیم. با بازگشت شازده کوچولو، راوی دچار اندوه می‌شود و به یاد احساس ناکامی و تنهایی خود می‌افتد. هر بار که شازده با کسی ملاقات می‌کند، دوباره به انزوا و پيله خود بازمی‌گردد. جمله‌ای از او نشان می‌دهد که وقتی دلش می‌گیرد، به غروب خورشید نگاه می‌کند. این لحن غم‌انگیز داستان به تنهایی انسان‌ها و دشواری‌های ارتباطات انسانی اشاره دارد و تکرار می‌کند که هر ارتباطی با دیگران مسئولیت‌هایی به همراه دارد.

داستان به صورت دایره‌وار پیش می‌رود و در پایان، شازده کوچولو به جایی برمی‌گردد که از آن آمده است، که نمادی از مسیر بازگشت به حقیقت و درک دنیای شخصی هر فرد است. هر شخصیت در داستان دنیای خاص خود را دارد که نتیجه اطلاعات، دانش و احساسات اوست. شازده کوچولو به اهمیت مراقبت و احتیاط در زندگی اشاره دارد و آزاداندیشی و کنجکاوی کودکان را کلید سلامت و خوشبختی می‌داند. دوگانگی میان بزرگ‌سالی و کودکی به عنوان یک حالت ذهنی مطرح می‌شود و مجدد به انزوای بزرگ‌سالان در مقابل وابستگی به دنیای مادی اشاره می‌کند. داستان انسان‌هایی را به تصویر می‌کشد که تنها به مادیات توجه می‌کنند و زیبایی‌های واقعی زندگی را نادیده می‌گیرند. همچنین، یادگیری ارزش‌های اخلاقی به واسطه مشاهده و تجربه، به جای آموزش مستقیم از بزرگ‌ترها، محوری است. هدف کلی نویسنده بیان این حقیقت است که بزرگی انسان‌ها نه در نادیده گرفتن زیبایی‌های دنیا، بلکه در جستجوی حقیقت و صداقت است. آب در داستان نماد امید به زندگی است. اگرچه این داستان به ظاهر برای کودکان است، اما به طور عمیق و نمادین به بررسی زندگی و طبیعت انسان نیز می‌پردازد. هنر اگزوپری در توانایی او برای دیدن روح واقعی پدیده‌ها نهفته است.

شازده کوچولو تصمیم می‌گیرد به دنیای خود بازگردد، در حالی که راوی، که نقش خلبان را دارد، احساس نارضایتی از زندگی در ساحت نمادین دارد و بارها به دنبال بازسازی تجربیات خوشایند خود در دنیای خیالی است. او به ستاره‌ها و یاد شازده کوچولو و گل سرخ می‌اندیشد و از خواننده می‌خواهد که اگر روزی به صحرای آفریقا برود و کودکانی با موهای طلایی ببیند، به او اطلاع دهد که شازده کوچولو بازگشته است. این پایان نشان‌دهنده تمایل راوی به بازگشت به دنیای خیالی و تجربیات گذشته‌اش است و به نوعی با سرنوشت نویسنده، آنتوان دو سنت‌اکزوپری، هم‌خوانی دارد.

تحلیل مؤلفه‌های تفکر فلسفی در داستان شازده کوچولو

تحلیل داستان «شازده کوچولو» با توجه به مؤلفه‌های تفکر فلسفی می‌تواند زمینه‌های عمیق‌تری برای فهم و تفکر در زندگی ما فراهم کند. بیایید نگاهی دقیق‌تر به هر یک از این مؤلفه‌ها داشته باشیم و ببینیم چگونه می‌توانند لایه‌های بیشتری از معنا را بگشایند.

۱. تفکر خلاق: داستان «شازده کوچولو» با وجود ظاهر ساده‌اش، دارای لایه‌های پیچیده و عمیقی است که اجازه می‌دهد هر خواننده با توجه به تجربیات و اشکال زندگی خود، تفسیر منحصر به فردی از آن داشته باشد. برای مثال،

ممکن است یک خواننده به عشق و دوستی‌های شازده کوچولو و گلش بیندیشد، در حالی که دیگری ممکن است تجربیات تنهایی یا اندوه را در داستان ببیند. این تفسیرهای متنوع می‌تواند سبب ایجاد ارتباطات تازه و تحولات فکری در زندگی روزمره خواننده شود، به ویژه هنگامی که آن را به چالش‌های خود تعمیم می‌دهد. شخصیت‌ها و نمادها: شخصیت‌های غیرمتعارف مانند شازده کوچولو و روباه به مخاطب یادآوری می‌کنند که درک عمیق‌تری از جهان ممکن است، اگر با دیدی خلاق به آن بنگریم. مفاهیم انتزاعی: مفاهیمی مانند دوستی، عشق و تنهایی به گونه‌ای بیان می‌شود که مخاطب تشویق می‌شود تا الهاماتی جدید از آن‌ها بگیرد و تجربه‌های خود را در زندگی بازتفسیر کند. سفرهای شازده کوچولو به سیاره‌های مختلف و ملاقات با شخصیت‌های گوناگون فرصتی برای تأمل در زندگی خود به خواننده می‌دهد. این سفرها نماد کاوش در خود و روابط فردی و اجتماعی هستند. وقتی خواننده به یاد می‌آورد که شازده کوچولو با کدام شخصیت‌ها ملاقات کرده و چه درس‌هایی از هر یک آموخته، ممکن است یادآوری تجربیاتش در زندگی واقعی و تأمل در روابط خود با دیگران برایش آسان‌تر شود.

۲. تفکر انتقادی: نقد «آدم‌های بزرگ»، شازده کوچولو به عنوان نماد خلاقیت و سادگی، به نقد رفتارها و ارزش‌های بزرگ‌ترها پرداخته و بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی را به چالش می‌کشد. این نقد، نه تنها به بزرگ‌ترها، بلکه به رفتارهای روزمره ما توجه می‌دهد و ما را به بازنگری در ارزش‌ها و اولویت‌های خود دعوت می‌کند. آیا ما هم درگیر مسائل بی‌معنی و دنیای مادی شده‌ایم؟ این سوالات می‌توانند به تفکر انتقادی و ایجاد تغییر در زندگی ما کمک کنند. داستان به طرز ماهرانه‌ای سوالاتی عمیق درباره مفهوم عشق، دوستی، تنهایی و معیارهای انسانی را به چالش می‌کشد. شازده کوچولو و سوالاتش، به ما این امکان را می‌دهد تا از خود بیرسیم که واقعاً چه چیزهایی در زندگی مهم هستند. آیا ارزش‌های مادی و ظاهری واقعاً رضایت‌بخش هستند یا ما را از تجربه واقعی عشق و دوستی دور می‌کنند؟

نقد اجتماعی: این داستان انتقاداتی به دستگاه‌های اجتماعی، سیاست و خلاقیت انسان‌ها در دنیای مدرن دارد. شخصیت شازده کوچولو به عنوان نماینده یک دنیای واقعی و بی‌زرق و برق، خواننده را به اندیشیدن در مورد ارزش‌ها و اولویت‌های زندگی دعوت می‌کند. سوالات وجودی: پرسش‌هایی که شخصیت‌ها مطرح می‌کنند، نه تنها به عمق داستان کمک می‌کند بلکه به مخاطب نیز امکان می‌دهد تا با تفکر انتقادی به این سوالات پاسخ دهد و ایده‌های خود را در مورد وجود و ارتباطات انسانی مورد بررسی قرار دهد.

۳. تفکر مراقبتی: درک عواطف و نیازها، در داستان، شازده کوچولو ارتباطات عمیق و زیبایی با شخصیت‌های دیگر برقرار می‌کند، از جمله روباه و گلش. این ارتباطات اهمیت نیاز به مراقبت و توجه به دیگران را به ما یادآوری می‌کنند. فهم عواطف دیگران و تلاش برای پاسخ به نیازهای آن‌ها نشان می‌دهد که انسان‌ها نیاز به همدلی و ارتباط دارند تا به رغم چالش‌های زندگی، احساس ارتباط و محبت کنند. ورود به دنیای شازده کوچولو و سفر او، خواننده را به تأمل در زندگی و مسئولیت‌هایش در قبال دیگران وادار می‌کند. آیا ما به اندازه کافی در زندگی مان به دیگران توجه می‌کنیم؟ آیا توانسته‌ایم روابط معنی‌داری برقرار کنیم؟ این سوالات می‌توانند انگیزه‌ای برای ما ایجاد کنند تا تلاش کنیم به دیگران نزدیک‌تر شویم و در زندگی اجتماعی خود مثبت‌تر عمل کنیم.

مسافرت و تجربه: سفر شازده کوچولو به سیاره‌های مختلف و ملاقات با شخصیت‌های گوناگون، نمایانگر جستجوی او برای درک زندگی و ارزش‌های انسانی است. این سفرها باعث می‌شود که او درک بهتری از موقعیت‌های مختلف پیدا کند و در نتیجه، خواننده نیز به تأمل و تفکر درباره تجارب متفاوت دعوت می‌شود.

در نهایت، «شازده کوچولو» با به کارگیری عناصر زیبا و مفاهیم عمیق، نه تنها فرصتی برای تفکر فلسفی به خواننده می‌دهد، بلکه او را به بازنگری در درک خود از خود و دنیای اطرافش تشویق می‌کند. این داستان همه ما را دعوت می‌کند تا با نگاهی انتقادی و خلاقانه به زندگی‌مان، روابط‌مان، و ارزش‌هایی که داریم، فکر کنیم و در پی بهبود کیفیت زندگی و روابط انسانی خود باشیم. این تفکر نه فقط موجب ارتقای فردی، بلکه بهبود جامعه نیز خواهد شد.

بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل داستان «شازده کوچولو» نشان می‌دهد که این اثر به خوبی تمامی ابعاد تفکر فلسفی لیپمن را در بر می‌گیرد. نویسنده، آنتوان دو سنت‌اکزوپری، در این داستان به بررسی مفاهیم عشق، هستی و دوستی پرداخته و در عین حال به نقد بزرگسالانی می‌پردازد که با نگرش تنگ‌نظرانه و ماشینی خود، زیبایی‌های حقیقی زندگی را نادیده می‌گیرند. در مقابل این بزرگسالان، شخصیت‌های کودکانه‌ای معرفی می‌شوند که با روحی باز به کشف دنیای اطراف خود می‌پردازند. اگزوپری با تمایز قائل شدن بین کودکی و بزرگسالی، نقدهای عمیقی را نسبت به ویژگی‌های منفی انسان‌ها ارائه می‌دهد؛ از اطاعت و فرمانبرداری بی‌چون و چرا تا خودخواهی و زندگی ماشینی که طبیعت و شگفتی‌های آن را از یاد می‌برد. شازده کوچولو به عنوان نماینده حقیقت‌طلبی و معناجویی انسان، معیاری برای سنجش و نقد رفتارهای بزرگ‌ترها می‌شود.

داستان به سادگی و روانی بیان شده و مضامین عمیقی نظیر تنهایی، عشق، سفر و فلسفه را در بر می‌گیرد. با کمتر از صد صفحه، اگزوپری مفهوم‌های پیچیده‌ای را منتقل می‌کند که در تمامی فرهنگ‌ها قابل فهم است و به همین دلیل، انیمیشن‌ها و اقتباس‌های مختلفی از آن ساخته شده که مورد استقبال کودکان در سرتاسر جهان قرار گرفته است. با خواندن «شازده کوچولو»، مخاطب به نوعی تغییر می‌کند و به خود و زندگی با نگاهی نو می‌نگرد. این داستان به گونه‌ای نوشته شده که هر فرد می‌تواند با توجه به تجارب خود به عمق مفاهیم پنهان آن پی ببرد و به حقیقت‌های جدیدی برسد. نتیجه‌گیری کلی از داستان «شازده کوچولو» نشان می‌دهد که عامل اصلی رذایل اخلاقی، فاصله گرفتن از حقیقت درونی خویش است.

درباره مؤلفه‌های تفکر فلسفی لیپمن، «شازده کوچولو» به خوبی حساسیت نسبت به زمینه، داوری و کل‌نگری را نشان می‌دهد و از این طریق به رشد تفکر انتقادی کمک می‌کند. همچنین، غنای مؤلفه‌های تفکر خلاق و عاطفی در داستان، بستر مناسبی را برای پرورش تفکر خلاق و مسئولانه فراهم می‌آورد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که این داستان به دلیل دارا بودن مؤلفه‌هایی در زمینه ابعاد مختلف تفکر فلسفی، توانایی لازم برای پرورش این نوع تفکر را داراست. هرچند این داستان به‌طور خاص برای برنامه فلسفه برای کودکان نوشته نشده است، اما می‌توان از آن در این برنامه‌ها استفاده کرد و همچنین به‌عنوان منبعی مناسب در حلقه‌های کندوکاو به کار برد.

از محدودیت‌های پژوهش می‌توان به بررسی ترجمه داستان اشاره کرد. در زمان ترجمه، ماهیت متن ممکن است تغییر یابد و بار معنایی و ارزشی واژه‌ها دچار تغییر بشود. این موضوع می‌تواند بر نتایج تحلیل تأثیر بگذارد و از این رو محدودیتی برای پژوهش محسوب می‌شود.

با توجه به فرایند پژوهش و نتایج به دست آمده، در تحقیقات آینده می‌توان دیگر آثار اگزوپری، مانند «داستان خلبان جنگ»، «زمین آدم‌ها»، «پرواز شبانه» و «پیک جنوب» را از منظر مؤلفه‌های تفکر فلسفی بررسی کرد. همچنین، انیمیشن‌های مربوط به «شازده کوچولو» با توجه به این مؤلفه‌ها می‌توانند مورد واکاوی قرار گیرند. به‌علاوه، مقایسه ظرفیت داستان‌های ایرانی و خارجی در زمینه مؤلفه‌های تفکر فلسفی و استفاده از ظرفیت‌های این داستان در

حلقه‌های کندوکاو فلسفی به منظور آموزش فلسفه به کودکان می‌تواند موضوعات تحقیقاتی مفیدی باشد.

در مجموع، «شازده کوچولو» نه تنها یک داستان شیرین و جذاب برای کودکان است بلکه نقطه عطفی در آموزش فلسفه و تفکر فلسفی برای بزرگ‌ترها نیز به شمار می‌آید. از طریق شخصیت‌ها و مضامین موجود در داستان، مخاطب به تفکر خلاق، انتقادی و موقعیتی دعوت می‌شود و این امر می‌تواند زمینه‌ساز بحث عمیق‌تری در مورد زندگی، روابط انسانی و ارزش‌های اخلاقی شود.

منابع

- اسکندری شرفی، فرشاد و بیگزاده، خلیل (۱۴۰۰). تحلیل مجموعه داستان لبخند انار هوشنگ مرادی کرمانی از منظر غنای روانشناختی برنامه فبک، نشریه ادبیات و زبان خارجه، ۷(۱)، ۴۷-۶۸.
- اسکندری شرقی، فرشاد؛ رحمتی فیروزآبادی، یونس و نصرت فلاح، علی (۱۴۰۰). خوانش فبکی داستان ماهی سیاه کوچولو، اثر صمد بهرنگی، فصلنامه تفکر و کودک، ۱۲ (۱)، ۳۳-۱.
- جهانی، جعفر (۱۳۸۲). دیباچه‌ای بر شیوه‌های پژوهش در تفکر انتقادی، شیراز: ملک سلیمان.
- حجازی، نصرت و مشگینی، مرضیه (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی شازده کوچولو و قلعه حیوانات بر اساس الگوی جامعه‌شناختی کلود دوشه. نشریه پژوهش ادبیات معاصر جهان، ۲۶(۱)، ۱۱۰-۱۴۲.
- حسینی، افضل السادات (۱۳۸۳). ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن، مشهد: آستان قدس رضوی.
- حمیدی، علی (۱۳۹۲). بررسی چگونگی استفاده از داستان‌های شاهنامه در برنامه درسی فلسفه برای کودکان. پایان نامه کارشناسی ارشد.
- حیدری نسب، فرحناز؛ کزازی، میرجلال الدین و بیگزاده، خلیل (۱۴۰۱). شگردهای فکروریزی در داستان‌های فرهاد حسن‌زاده بر پایه نظریه لیپمن (مطالعه موردی: داستان‌های گروه سنی الف، ب و ج)، فصلنامه تفکر و کودک، ۱۲ (۲)، ۲۱۱-۱۸۱.
- خسروزاد، مرتضی (۱۳۸۹). معصومیت و تجربه (درآمدی بر فلسفه ادبیات کودک)، تهران: مرکز.
- سام‌خانیان، علی‌اکبر (۱۳۹۳). تحلیل نگره پدیدارشناسی در شناخت‌شناسی شازده کوچولو. نشریه پژوهش ادبیات معاصر جهان، ۱۸(۱)، ۵-۱۱۲.
- سیف هاشمی، فخرالسادات؛ رجایی پور، سعید (۱۳۸۳). بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت مدیران مدارس متوسطه شهر اصفهان. نشریه تعلیم و تربیت، ۱(۱)، ۶۴-۳۱.
- شریعتمداری، علی (۱۳۹۳). اصول و فلسفه تربیت، تهران.
- عظمت‌دارفرد، فاطمه؛ قائدی، یحیی (۱۳۹۶). پژوهشی در داستان‌های طنز ادب فارسی با نظر به مؤلفه‌های تفکر فلسفی، فصلنامه فلسفه تربیت، ۹۱-۱۱۹.
- فرزانه‌فر، جواد (۱۳۸۹). بررسی فلسفه دوران کودکی و نقش داستان در پرورش روحیه‌ی فلسفی کودکان، رساله‌ی دکتری دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم تهران.
- فرمهمینی فراهانی، محسن؛ میرزا محمدی، محمدحسن؛ خارستانی، اسماعیل (۱۳۸۸). تبیین تطبیقی اهداف آموزش فلسفه به کودکان در کشورهای مختلف، ۴ (۱۶)، ۷۰-۴۵.
- قائم‌مجد، سعیده (۱۳۹۴). بازگشت به حقیقت خویش؛ تحلیل فلسفی-اخلاقی شازده کوچولو، نشریه فلسفه و کودک، ۱۲، ۵۹-۶۶.
- مایرز، چت (۱۳۸۶). آموزش تفکر انتقادی، ترجمه خدایار ابیلی، تهران: سمت.
- میرزاییگی، ع (۱۳۷۰). نقش هنر در آموزش و پرورش و بهداشت روانی کودکان، تهران: نشر مدرسه.

- ناجی، سعید (۱۳۸۳). فلسفه برای کودکان و نوجوانان: مروری بر پارادایم جدید در آموزش و پرورش با تأکید بر ابداعات لیپمن، نشریه روش‌شناسی علوم انسانی (حوزه و دانشگاه)، ۱۰ (۴۰)، ۹۳-۱۱۸.
- نجات، سیده اسما؛ رازقی، ثریا و عاشوری، هنگامه (۱۳۹۹). بررسی اهمیت پرورش تفکر انتقادی در کودکان با تکیه بر داستان‌های مثنوی مولوی (رهیافتی آموزشی براساس نظریه لیپمن)، فصلنامه تفکر و کودک، ۱۱ (۱)، ۲۴۹-۲۸۱.
- یوسفی، عاطفه و ناجی، سعید (۱۴۰۱). بازخوانی بابی از کلیله و دمنه (تحلیل باب شیر و شغال براساس مبانی داستانی فلسفه برای کودکان)، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ۱۴ (۵۵)، ۱۳۵-۱۶۰.
- Daniel M, Gagnon M. (2011). Developmental process of dialogical critical thinking in groups of pupils aged 4 to 12 years, *Creative Education*, 2(5): 418- 428.
- Gasparatou, R., & Kampeza, M. (2012). Introducing P4C in kindergarten in Greece. *Analytic Teaching and Philosophical Praxis*, 33(1): 72- 82.
- Lipman, Mathew. (2003). "Philosophy for Children, An Interview with Saeed NaJi", in Retrieved, September 28, 2011, From [http:// www. Buf. ano/en](http://www.Buf.ano/en)
- Maykut, P. & Morehouse, R. (1994). *Beginning Qualitative Research. A Philosophic and Practical Guide*. London Washington D.C: Falmer Press.
- Morris, K. (2016). The Philosophy for Children curriculum: Resisting 'teacher proof texts and the formation of the ideal philosopher child. *Studies in Philosophy and Education*, 35 (1), 63-78.
- Smith, PH. G. (1956). *Philosophic Mindedness in Educational Administration*. The Ohio State University Press.
- Stephan, M., & Alan, T. (2011). Benefits of collaborative philosophical inquiry in school, Centre for Applied Ethics and Philosophy, Curtin University
- Tran, N. (2013). *Thinking Skills Frameworks to Evaluate Philosophical Modules in Higher Education*. *Arcls*, 2 (10), 177-195.
- Worley, P. (2016). Philosophy and children. *The Philosophers' Magazine*, (72), 119-120.